



سیدحسین تقی‌زاده، ۵ مهر ۱۲۵۷ هـ ش در خانواده‌ای روحانی در تبریز به دنیا آمد. پدرش سیدتقی، امام‌جماعت مسجد بازارچه تبریز و مکتبدار، مردی عالم و زاهد، و از شاگردان شیخ مرتضی انصاری در حوزه نجف بود. سید حسن از چهارسالگی، و با راهنمایی پدر، خواندن قرآن کریم را آغاز و در پنج سالگی آن را ختم کرد. از هشت سالگی تحصیل مقدمات عربی و از چهارده سالگی تحصیل علوم عقلی، ریاضیات و نجوم و هیئت را شروع کرد و اصول فقه را نزد میرزا محمود اصولی و حاج میرزا حسن فراگرفت. وی در کنار فراگیری حکمت و علوم قدیم، در مدرسه آمریکایی با علوم جدید آشنا شد و طب جدید و علم تشریح را دنبال می‌کرد. گفته‌اند تقی‌زاده علوم جدید و زبان فرانسوی را دور از چشم پدر همراه با رفیقش میرزا محمدعلی خان تربیت نزد میرزا نصرالله خان سیف‌الاطباء (پسر میرزا عبدالعلی سیف‌الاطباء) به مدت پنج سال تا سال ۱۲۷۸ دنبال می‌کرد.

تقی‌زاده از حدود سنین بیست سالگی، بر اثر آشنایی با نوشته‌های طالبوف و میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله و نویسندگان تجددخواه روزنامه‌های فارسی خارج از کشور، نظیر اختر، پرورش، ثریا، جبل‌المتین و حکمت، و نیز کتاب‌های عربی چاپ مصر و کتاب‌های



سیدحسین تقی‌زاده

(۱۲۵۷-۱۳۴۸)

رجل سیاسی

اقلام اهدایی: کتاب (۲۷۰۰ جلد)
محل نگهداری اقلام اهدایی: کتابخانه
دانشکده ادبیات و علوم انسانی



ترکی چاپ عثمانی، به علوم جدید غربی، اندیشه‌های سیاسی اروپایی، افکار آزادی خواهانه، و تجدیدطلبانه متمایل شد. تقی‌زاده با همکاری متجددان و دوستان آزادی خواهش، هفته‌نامه گنجینه فنون را منتشر کرد که پس از یک سال و نیم انتشار، و ظاهراً بر اثر سفر تقی‌زاده به خارج و شیوع وبا در ایران، تعطیل شد. تقی‌زاده سال ۱۲۸۴ به تبریز بازگشت و با تجربه‌هایی که اندوخته بود به محافل پنهانی مبارزان ضد استبداد تبریزی پیوست. وی پس از پیروزی آزادی خواهان و افتتاح دوره اول مجلس شورای ملی، به نمایندگی از سوی طبقه اصناف تبریز انتخاب شد.

تقی‌زاده را باید چهره پر ماجرا و متفاوت ایران معاصر دانست. وی در فراز و فرود اوضاع سیاسی ایران بارها مسئولیت‌های خطیر سیاسی گرفت، تهدید شد، به سفارت دیگر کشورها پناهنده شد، فعالیت مطبوعاتی کرد، همسر اروپایی گزید، به فعالیت‌های پژوهشی دست زد و خلاصه زندگی پرماجری را تجربه کرد. در برهه‌ای از زمان که عرصه بر او تنگ شد به آمریکا و اروپا عزیمت کرد و در کتابخانه‌های آنجا به مطالعه پرداخت. او تا پایان حکومت رضاشاه به ایران نیامد و فاصله خود را با سیاست حفظ کرد، اما با سقوط رضاشاه، مجدداً به دنیای سیاست بازگشت. وی در آبان ۱۳۲۰ به سمت سفیر ایران در لندن منصوب شد، در سال ۱۳۲۳ به مقام سفارت کبرا ارتقا یافت و در ۱۳۲۶ به ایران بازگشت و به عنوان نماینده مردم تبریز راهی مجلس پانزدهم شد. در این دوران جو مجلس بیش از پیش پرتنش و خصومت‌آمیز بود، جناحهای افراطی چپ و راست در برابر هم صف آرایی کرده بودند و تقی‌زاده نیز به خاطر سابقه مشارکت در تمدید قرارداد نفت، در نطق‌های جنجال برانگیز نمایندگان مخالف، آماج انتقادهای شدید قرار گرفت و به خیانت به کشور و عاملیت انگلیس متهم گردید.

تقی‌زاده در ۱۳۲۸ در نخستین انتخابات مجلس سنا، به عنوان یکی از سناتورهای تهران انتخاب شد. بار دوم سناتور تبریز شد و تا ۱۳۴۶ که به سبب کهولت از کارها کناره گرفت، سناتور بود. مدت شش سال، که بخشی از آن مصادف با سال‌های بحرانی نهضت ملی شدن صنعت نفت بود، وی ریاست مجلس سنا را به عهده داشت و گاه در کنار شماری از سناتورها، در برابر فشارهای سیاسی مخالفان دکتر مصدق، از وی حمایت می‌کرد. او در سال‌های پایانی عمر، توان حرکت را از دست داد و دچار فلج پا شد و در برخی مجامع با صندلی چرخدار ظاهر می‌شد. سرانجام در ۸ بهمن ۱۳۴۸، در سن ۹۲ سالگی در انزوا درگذشت. جنازه او از مسجد سپهسالار تشییع و از برابر ساختمان مجلس شورا عبور داده شد و در آرامگاه ظهیرالدوله دفن گردید.

در میان آثار تحقیقی تقی‌زاده، پژوهشی درباره گاه‌شماری و تاریخ تقویم و نجوم در ایران، تاریخ



برخی مذاهب کهن در ایران و از جمله آیین مانی، تاریخ عرب جاهلی مقارن با ظهور اسلام و تبعیاتی درباره فردوسی و ناصر خسرو اهمیت بیشتری دارند و با مورد توجه صاحب نظران واقع شده‌اند. از نظر خاورشناسان غربی که به ارزش و اهمیت تحقیقات دانشمندان ایرانی با شکاکیت و احتیاط توجه داشته‌اند، محمد قزوینی و سیدحسن تقی‌زاده جایگاه علمی متمایزی دارند. تقی‌زاده در عرصه اندیشه، به‌ویژه در دیدگاه‌هایش درباره فرهنگ و تمدن غرب، با مخالفت‌های بسیار شدید، تقریباً از همه سو، روبرو است. موضع او درباره فرهنگ و تمدن غرب، تغییر خط فارسی به لاتینی، نخست بسیار تندرانه و نسنجیده بود. بعدها رسماً اظهار پشیمانی کرد و نگرش گذشته خود را به تندرروی ایام جوانی و اشتیاق وافر به اصلاح و پیشرفت کشور نسبت داد. نخست می‌پنداشت که صنعتی شدن کشور، پیشرفت علمی، آزادی سیاسی و عقیده، رشد فرهنگی و آموزشی، از راه «اخذ بلاشرط آداب و عادات فرنگ» و پیروی از این شعار که «ایران باید ظاهراً و باطناً، جسماً و روحاً فرنگی‌مآب شود و بس» میسر است. تقی‌زاده با ساده‌انگاری، و بدون عنایت علمی به تبعات تغییر خط، می‌پنداشت که تغییر خط فارسی به لاتینی سوادآموزی را آسان خواهد کرد و راه را برای تحول فرهنگی کشور هموار خواهد ساخت. او بعدها به خطای خود پی برد و بارها و بارها با شهامت و صراحت، روش گذشته‌اش را نکوهش و دیدگاه‌های خود را تعدیل و تصحیح کرد. در خطابه معروف باشگاه مهرگان گفت: «اینجانب در تحریض و تشویق، اولین نارنجک تسلیم به تمدن فرنگی را در چهل سال قبل بی‌پروا انداختم».

او بانی مهم‌ترین مجموعه منابع مطالعات ایرانی در کتابخانه مجلس سنا بود و از افراد مؤثر در تأسیس چاپخانه افست، نشر متن کتیبه‌های ایرانی، ترجمه دائرةالمعارف اسلام (طرح ناتمام) و نشر نخستین کتاب‌شناسی‌ها و فهرست‌های منظم به فارسی به شمار می‌آید. در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و سازماندهی فرهنگی طرف مشورت بسیاری از دولتمردان و سازمان‌های دولتی بود.

به هر روی، بیش از ۲۷۰۰ جلد کتاب از طرف این رجل پرماجرایی سیاسی به دانشگاه تهران اهدا شده است که در کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی نگهداری می‌شود.

